

نگاهی به کتابشناسی نسخه‌های خطی آثار شیخ صدوق در ایران

○ فریبا افکاری

کارشناس ارشد نسخه‌های خطی و آثار کمیاب
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

فهرست و فهرست‌نگاری اولین و اساسی‌ترین ابزار اطلاع‌رسانی است و به ویژه در متون خطی، زحمت و کوشش پژوهشگران را جهت می‌دهد و در میزان استفاده از وقت، نیرو و سرمایه آنان صرفه‌جویی می‌کند، کتابشناسی نیز در این راه کمک بسیار مهمی برای محققان این حوزه به شمار می‌آید، اهمیت فهرس و کتابشناسی‌های نسخ خطی، مشخص‌کننده نوع گرایش و علاقه‌مندی یک قوم و ملتی به موضوع یا موضوعاتی است و همچنین راه را برای موضوع‌گرایان علاقه‌مند برای تصحیح و تحلیل می‌گشاید، چه بسا محققانی که براساس متون شناسایی شده موجود به تصحیح اثری پرداخته و پس از تحمل سختی‌ها و مرارت‌ها دریافته‌اند که نسخه‌ای دیگر با ویژگی جدید یا متفاوت در جای دیگری یافت شده و در نتیجه، محقق یا مصحح مجبور شده است زحمت مضاعفی را برای مطالعه آن نسخه تحمل کند و به تصحیح دیگری بیندیشد و اینجاست که کتابشناسی‌ها بهترین راهنما برای محققان مشتاقند تا آنان را در یافتن نسخ منقح و مناسب یاری کنند. برگزاری سمینارها، کنگره‌ها یا بزرگداشت‌های علمی و یادبودهای عالمان نیز بهترین مناسبت و بهانه برای پیدایش کتابشناسی‌های موضوعی یا افراد است و این مناسبت میمون و مبارک، محققان علاقه‌مند کتابشناسی را وامی‌دارد تا دست به قلم برند و ماندگارترین و کارآمدترین نتیجه این‌گونه کنگره‌ها را از آن خود کنند و در پایان آنچه از پس هیاهوی پذیرایی‌ها و سخنرانی‌ها و رفت و آمدها باقی می‌ماند چند

○ مریم تفضلی، کتابشناسی نسخه‌های خطی
آثار شیخ صدوق در ایران، تهران: وزارت فرهنگ و
ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۱،
۴۷۱ صفحه





رسایل به جا مانده از این محدث نامی و ارائة شاخص تقریبی از کل دست نویس های موجود از وی بپردازد، به همین منظور وی، به تورق فهرست های موجود نسخ خطی کتابخانه ها پرداخته و آن را در این کتابشناسی نظم داده و منتشر

ساخته است.

اطلاعات گردآوری شده در این کتابشناسی، شامل دو بخش عمده می باشد که عبارتند از کتابشناسی و نسخه شناسی. اطلاعات کتابشناسی بکاررفته در کتاب حاضر عبارتست

از:

موضوع کتاب و اهمیت آن، انگیزه تألیف و روش مؤلف در نگارش کتاب، تلقی علماء و صاحب نظران از آن اثر، شمار اجزاء و ابواب و فصول و احادیث آن، شروح و حواشی و ترجمه ها و انتخاب های کتاب، چاپ های آن به ترتیب تاریخ چاپ و در نهایت آغاز و انجام یک نسخه خطی و در صورت

مقاله

ناب است و یک کتابشناسی که بتواند از قبیل بودجه محدود کنگره ها به چاپ برسد و به دست علاقه مندان منتظر برسد.

کتابشناسی نسخ خطی آثار شیخ صدوق در ایران نیز گویا از این دست فراهم شده است و به گواهی صفحه عنوان کتاب به مناسبت کنگره بزرگداشت شهید صدوقی و نیز کنگره سراسری شیخ صدوق و به یاری انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان یزد و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۸۱ به چاپ رسیده است.

کتاب حاضر، کوشیده است تا نسخ خطی آثار شیخ صدوق موجود در کتابخانه های ایران را بازنماید. این آثار که در موضوعات مختلف اخلاق، کلام، فقه، حدیث، فلسفه و... به زبان های عربی و فارسی است در مجموعه کتابخانه های دولتی و شخصی کشور پراکنده اند و مؤلف آنها را فهرست برداری و گردآوری نموده است و آنگونه که خود در مقدمه اشاره نموده است قصد دارد تا به شناسایی کتب و

امکان یک نسخه چاپ سنگی.

چاپی است که عموماً براساس تاریخ نگارش شرح تنظیم یافته ولی در بعضی موارد ترتیب خاصی ندارد.

۲) ذکر کتب چاپ سنگی و سربی، که به ترتیب تاریخ انتشار تنظیم یافته است بدین معنا که چاپ‌های سنگی ابتدا براساس تاریخ چاپ و مطبوعه نشر و سپس چاپ‌های سربی جدید‌الانتشار هر اثر معرفی شده است.

۳) ذکر آغاز و انجام هر کتاب باتوجه به نسخه خطی و ذکر شماره نسخه و کتابخانه نگهدارنده آن. و سپس آغاز و انجام کتاب یا استناد به نسخه چاپ سنگی آن با همان ویژگی‌های مشابه ذکر شده است.

۴) ذکر ویژگی‌های نسخه‌شناسی، نسخه‌های خطی کتاب براساس تاریخ کتابت هر نسخه، و نام و مشخصات هر کتابخانه.

از این چهار مورد تقریباً با روش یکسانی برای معرفی بیست گانه آثار شیخ صدوق استفاده شده است.

بخش دیگر کتاب «استدراک» نام دارد و مؤلف نسخه‌های ناشناخته یا منسوب به شیخ را که با تتبع و قراین نسخه‌های دیگر شناسایی نموده است در این بخش معرفی کرده است که شامل ۱۵ کتاب می‌باشد. در این بخش نیز همچون بخش اصلی کتاب، معرفی مختصری از کتاب به عمل آمده و سپس نسخه‌های خطی موجود از آن در کتابخانه‌ها شناسانده شده است.

بخش پایانی کتابشناسی حاضر، «کتابنامه» است که به منظور آشنایی و استفاده بیشتر خوانندگان فراهم آمده است.

و بنا بر معرفی مؤلف، براساس عنوان فهرست‌ها، نام صاحبان مجموعه‌ها و نیز عناوین مقالات معرفی این آثار، تدوین شده است. در فهرست‌های مشترک نسخ خطی، ملاک نام کتابخانه و یا نام صاحب مجموعه می‌باشد، که عنوان این‌گونه فهرست‌ها یکبار در ترتیب الفبایی بدون شماره‌گذاری و بار دیگر در ذیل نام کتابخانه و صاحب مجموعه با درج شماره تکرار می‌شود.

از ویژگی‌های بارز کتابشناسی حاضر باید به زحمت فراوان مؤلف در شناسایی و گردآوری اطلاعات مربوط به نسخه‌های خطی آثار شیخ صدوق اشاره نمود که یک تنه به انجام آن همت گمارده است. گردآوری این اطلاعات به ویژه در استفاده از فهرست‌های مختلف با روش‌های متفاوت، رؤیت و مطالعه

اطلاعات نسخه‌شناسی کتاب شامل: نام کتابخانه (در مجموعه‌های خصوصی نام صاحب مجموعه) نام شهر و محل آن، شماره راهنمای کتاب، شماره ثبت یا ردیف، نوع خط، نام کاتب نسخه، تاریخ تحریر و محل کتابت و خصوصیات بارز نسخه، مشخصات ظاهری، حاشیه‌نویسی، نشان‌های مقابله و تصحیح و بلاغ‌های گوناگون، مهرها و یادداشت‌های تملک و تملیک و اهداء و ابتیاع و جز آن، برگ‌های نونویس، آغاز و انجام موجود نسخه‌های ناقص و دارای افتادگی، عناوین، شمار برگه‌ها و صفحات و سطور می‌باشند. و در نهایت در میان دو قلاب [] مآخذ هر نسخه با اشاره به شماره جلد و صفحه ذکر گردیده است.

کتاب، پس از مقدمه مؤلف در باب کتاب و انجام روش کار با «مروری بر حیات شیخ صدوق» ادامه می‌یابد که در واقع مقدمه‌ای است درباره زندگی، شخصیت علمی و برخی آثار شیخ صدوق، تا خواننده را در ابتدای امر با ویژگی‌های خاص شیخ آشنا نماید. در این بخش خواننده با شرح حال، اتفاقات و رویدادهای مهم زندگی شیخ، سفرها و نتایج آن و کلیاتی درباره آثار وی آشنا می‌شود.

مؤلف، این بخش از معرفی شیخ را با استناد از ده کتاب درباره شیخ صدوق نگاشته است و در پانوش صفحه اول این بخش، به نام کتاب‌ها و مؤلفان آنها به شکل کلی اشاره نموده است. از آن پس، آثار وی براساس حروف الفبا معرفی شده‌اند، این آثار که شامل بیست کتاب می‌باشد عبارتند از:

«الاعتقادات، توحید، ثواب الاعمال، عقاب الاعمال، خصال، صفات الشیعه، العرض علی المجالس، علل الشرایع و الاحکام و الاسباب، عیون اخبار الرضا(ع)، فضائل الاشهر الثلاثه (سه کتاب)، فضائل الشیعه، کمال الدین و تمام النعمه فی اثبات الغیبه و کشف الحیره، مصادقة الاخوان، معانی الاخبار، المقنع، مناظرات، من لایحضره الفقیه، الهدایه،»

در این قسمت، هر کتاب مختصراً در ابتدا معرفی می‌شود و ضمن آن به موضوعات، بخش‌ها و ابواب و فصول آن اشاره می‌شود و با استناد به برخی منابع گزارش می‌شود. سپس مؤلف در ۴ بخش جداگانه به معرفی منابع موجود از آن می‌پردازد.

۱) شناسایی و معرفی گزارش‌ها (شروحنی) که بر کتاب موردنظر نوشته شده است. این گزارش‌ها اعم از نسخ خطی و

بسیاری از نسخ از نزدیک و عدم وجود فهرست‌های کامل رایانه‌ای در بیشتر کتابخانه‌ها، دشوارتر می‌باشد. از آنجا که بیشتر کتابخانه‌ها فاقد سیستم دیجیتال فهرست‌های online می‌باشند، ضرورت بازنگری و جست‌وجوی دقیق در فهرس از سوی مؤلف را دوچندان می‌نماید، زیرا که محققان این حوزه، به تلاش‌های مؤلفان این‌گونه کتابشناسی‌ها اطمینان نموده و به آن استناد مستقیم خواهند نمود و این امر مسئولیت و دقت بیشتر مؤلف را مضاعف خواهد ساخت.

همچنین، از آنجا که به روز کردن فهرس الکترونیکی کتابخانه‌ها و ورود اطلاعات جدید فهرست‌های تازه انتشار یافته، معمولاً با تأخیر فراوان و یا اشتباهات کم و بیش قابل تاملی همراه است محقق جستجوگر را، بیش از پیش به لزوم تحقیقات فردی و کندوکاو در فهرس و به ویژه شناخت مجموعه‌ها و جنگ‌ها برای یافتن رسایل کوچک و گمنام و گاه نادیده شده، به طریق اولی، به تلاش بیشتری وامی‌دارد. بسنده نمودن محققان به اطلاعات برخی کتابشناسی‌ها، به روز کردن اطلاعات تخصصی در هر حوزه، آگاهی از کتب تازه فهرست شده، مطالعه و تورق تصحیحات جدیدالانتشار، همگی از لزوم ایجاد بانک‌های اطلاعاتی Online خبر می‌دهد.

از دیگر ویژگی‌های مهم کتاب که بسیار ارزنده است می‌بایست به تفحص و مطالعه اصل نسخ توسط خانم مریم تفضلی اشاره نمود. ایشان به دلیل شناخت و مقایسه آثار شیخ توانسته است بعضاً به برخی اشتباهات فهرست‌های کتابخانه‌ها پی ببرد و حتی‌الامکان در اصلاح و تکمیل آنها بکوشد. نگارنده این سطور، خود شخصاً به قراین برخی تذکرات ایشان، به فهرس مربوطه رجوع کرده و صحت و سقم آن را سنجیده است که در بسیاری موارد راهگشا بوده و این خود گامی است هرچند کوچک در جهت اصلاح کاستی‌های برخی اطلاعات فهرس که بازنگری و تکمیل اطلاعات جدید آنها را بیش از پیش محسوس می‌سازد.

از دیگر تلاش‌های به جای مؤلف، معرفی تقریباً کاملی از جزئیات موضوعی و ویژگی‌های کتابشناسی هر کتاب در آغاز بحث می‌باشد. این معرفی، به ویژه خواننده عام یا غیرمتخصص علاقه‌مند را از رجوع به منابع کتابشناسی برای شناخت ویژگی‌های هر کتاب و رساله، بی‌نیاز می‌کند و در واقع با شناخت بیشتری در ابتدای هر کتاب، به معرفی آن

می‌پردازد.

این معرفی به عنوان شیوه‌ای واحد تقریباً در سراسر کتاب و آثار بیست‌گانه شیخ به کار گرفته شده است. همچنین معرفی و گردآوری نسخ خطی، هر اثر براساس تاریخ کتابت از اقدام نسخ تا نسخ جدیدتر از محسنات دیگر کتاب است، تا خواننده مشتاق را برای یافتن نسخه آقدم یاری رساند و سردرگم نسازد.

تفکیک آن دسته از کتب نامشخص یا مشکوک در بخش استدراک نیز قدم مثبت دیگر مؤلف است و در یک کار تحقیقی از ملزومات علمی و دقت لازم محقق هر رشته علمی به شمار می‌رود.

و دست‌آخر، وجود نمایه کتاب که می‌توان آن را مفتاح کتابشناسی و چشم و گوش کتاب نامید از جمله تسهیلات دیگری است که خوانندگان را در یافتن منابع لازم جهت استناد و ارجاعات در تحقیقات خود یاری می‌دهد.

امروزه پرداختن به کتابشناسی‌ها به ویژه کتابشناسی‌های موضوعی یا فردی، شتاب بیشتری یافته است و نیاز روزافزون محققان این حوزه ایجاب می‌کند تا تلاش‌های بیشتری انجام پذیرد. از جمله کتابشناسی‌هایی که برای شعراء، فیلسوفان و علمای بزرگ منتشر شده است می‌توان به کتابشناسی فردوسی، مولوی، حافظ و نیز کتابشناسی تازه منتشره خیام اشاره نمود. در مقایسه با سایر کتابشناسی‌های مشابه، کتابشناسی حاضر از تفصیل بیشتری در معرفی آثار برخوردار است، اما جامعیت کتابشناسی خیام را که شامل کتاب‌های چاپی، مقالات و چاپ‌های مختلف یک اثر و پایان‌نامه‌ها است، ندارد.

کتابشناسی حاضر با تأکید بر نسخه‌های خطی، گوشه چشمی نیز به کتب چاپ سنگی و برخی کتب چاپی مرتبط با هر اثر نیز داشته است. اما اطلاعات آنها در برخی موارد ناقص است که امید می‌رود ان شاءالله در چاپ‌های بعدی بتوان با افزودن سایر منابع چاپی و مقالات آن را تکمیل نمود.

نقد و نظر

با وجود تلاش‌های مؤلف در جهت گردآوری و تهیه یک کتابشناسی جامع و کامل که خود نیز بدان پرداخته است، به نکاتی چند درخصوص این کتابشناسی می‌پردازیم و آن را با

خوانندگان علاقه‌مند در میان می‌گذاریم، تا به نوبه خود کوشیده باشیم هم مؤلف محترم را در رفع برخی کاستی‌های آن در چاپ‌های بعدی کتاب در آینده یاری داده باشیم و هم شاهد انتشار کتابشناسی‌های کامل‌تری در این راه باشیم.

۱) عدم تطبیق و هماهنگی نام کتاب با محتوای آن:

عنوان کتاب، «کتابشناسی نسخه‌های خطی آثار شیخ صدوق در ایران» نام دارد و خواننده انتظار دارد تا تماماً از منابع دست‌نویس و خطی این آثار بهره‌مند شود در حالی که مؤلف به گردآوری نسخه‌های چاپ سنگی و نیز برخی نسخ چاپ سربی نیز پرداخته است و علی‌رغم زحمت این گردآوری، خبری از آن در عنوان کتاب به چشم نمی‌خورد و این کار را نیز تمام و کمال به انجام نرسانده است. حال این سؤال پیش می‌آید که آیا از ابتدا قصد گردآوری کتب چاپی نبوده است و بعداً مؤلف برای تکمیل معرفی برخی کتب، بخش چاپ سنگی را نیز بدان افزوده است؟ در این صورت چرا عنوان کتاب را تغییر نداده و تصحیح نموده است؟ و حال که رنج این کار را بر خود هموار نموده است چرا مشخصات چاپی و کتابشناسی کتب چاپی را ذکر نموده است؟

۲. عدم یکدستی در معرفی کتب:

مؤلف برای معرفی هر کتاب، از آغاز و انجام یک نسخه خطی و یک کتاب چاپ سنگی بهره‌جسته است. نگارنده این سطور، بسیاری از این نسخه‌ها را با یکدیگر مقایسه و تطبیق داد و متوجه گردید که در بسیاری از موارد، این اطلاعات تکراری، یکسان و بسیار مشابه می‌باشند و ذکر آنها هیچگونه اطلاعات جدیدی به خواننده نمی‌دهد و تنها به حجم کتاب و تطویل کلام افزوده است پس بهتر بود که تنها در موارد اختلافات خاص، مؤلف به ذکر آغاز و انجام نسخه‌های خطی و چاپی اقدام می‌نمود و اشاره به همان نسخه خطی بسنده می‌نماید. طرّفه آنکه مؤلف محترم، گاه به ذکر تمامی خطبه آغازین و یا بخش پایانی کتاب به تفصیل پرداخته است و موجب اطناب مُمَلّ گردیده است و نیز یکدستی در حجم آغاز و انجام نسخه‌ها در بیشتر موارد از دست رفته است و تفاوت آن گاه از چند سطر تا ۲ صفحه می‌رسد. (رجوع شود به صفحه ۱۹۶-۱۹۷) که غیرضروری می‌نماید.

۳) ذکر اطلاعات غیر لازم نسخه‌شناسی:

در بخش معرفی نسخه‌های خطی، مؤلف محترم پس از

ذکر نام کتابخانه و شماره نسخه، اطلاعات نسخه‌شناسی مفصلی را که از فهرست کتابخانه‌های مختلف استخراج نموده، عیناً منتشر نموده است. این اطلاعات شامل تزیینات نسخه مانند آرایش‌ها، تذهیب، سرلوح‌ها، یادداشت‌های کتابت، مهرها و نام مالکان نسخه و اطلاعات غیرضروری نسخه‌شناسی دیگری است که به نظر نگارنده برای استفاده محقق و مخاطب کتاب حاضر چندان لازم نمی‌نماید و بهتر بود از آنجا که نشانی کامل فهرس و صفحات آن آمده است، خواننده را برای استفاده بیشتر به فهرست هر کتابخانه ارجاع دهیم و یا در صورت لزوم، آن بخش از اطلاعات مهم مانند یادداشت‌های بلاغ و مقابله و تصحیح را که نشانگر اهمیت نسخه است از سایر اطلاعات فهرست انتخاب کرده و تفکیک نماییم.

نکته مهم دیگر آنکه، حجم اطلاعات نسخه‌شناسی هر کتابخانه با کتابخانه دیگر متفاوت است. به عنوان مثال باید به برخی اطلاعات کتابخانه مسجد اعظم قم اشاره کرد که حتی گاه برگ شمار اوراق نسخه نیز نامشخص است. و مؤلف از آنجا که عیناً به نقل مطالب نسخه‌شناسی فهرستی پرداخته است، نتوانسته است کتابشناسی خود را از عدم یکدستی در حجم اطلاعات در این بخش باز دارد.

۴) ناقص بودن برخی اطلاعات کتب چاپی:

مؤلف، پس از معرفی هر کتاب شیخ، ابتدا به ترجمه‌ها و شروع و گزارش‌های هر اثر می‌پردازد. او در این راه تنها به عنوان هر شرح اکتفا نموده و هیچ اشاره‌ای به نشانی نسخه خطی یا چاپی آن و بیان نکات کتابشناسی اثر نمی‌پردازد و تنها فهرستواره‌ای از نام کتب را ذکر می‌نماید که خواننده را چندان بکار نمی‌آید.

نکته دیگر آنکه، گاه از یک نسخه چاپ سنگی به عنوان نمونه‌ای برای آغاز یا انجام نسخه سخن رفته است اما نشانی از آن در فهرست کتب چاپی مشاهده نمی‌شود و گویا به نظر می‌رسد که اطلاعات آن از قلم افتاده یا فراموش شده است مثلاً در معرفی فهرست کتاب «عیون‌الآخبار الرضا(ع)» آغاز نسخه چاپ سنگی ملی ش ۷۲۲ ذکر گردیده (ص ۱۵۹-۱۶۰) اما در فهرست کتب چاپ سنگی هیچ اشاره‌ای به آن نشده است.

۵) عدم وجود معیار مشخصی برای انتخاب کتاب‌های

خطی و سنگی نمونه آغاز و انجام:

به نظر می‌رسد که مؤلف معیار مشخصی برای انتخاب

همان ذیل، ص ۶۷، شماره ۶۶:
 گلپایگانی، قم... [ف. گلپایگانی ۱۹۶/۲ و ۴/۳ و ۱۹۷/۴]
 مثال دیگر: نام نشریه نسخه‌های خطی دانشگاه تهران در
 ارجاعات کتابشناسی متن کتاب تحت عنوان «نشریه» آمده
 است اما در فهرست انتهای کتاب با عنوان «نسخه‌های خطی»
 ذکر شده است که موجب گمراهی خواننده است.

ص ۴۰، شماره ۶۷: خصوصی، اصغر مهدوی، تهران...
 [نشریه ۱۱۱/۲ و ۱۳۷]

ص ۴۶۶، شماره ۳۴۴، نسخه‌های خطی حاج سیدعلی
 اصغر اصغرزاده... [نسخه‌های خطی، دفتر ۵...]

نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه
 تهران (۱۲ مجلد) یا آنکه از منابع مهم مورد استفاده مؤلف در
 شناسایی نسخه‌های خطی شهرستان‌ها و مجموعه‌های
 خصوصی است و بیشترین استفاده را از کتابشناسی حاضر
 داشته است متأسفانه در ذیل هیچ یک از عناوین «دانشگاه
 تهران»، «نشریه» و «نسخه‌های خطی» فهرست پایانی منابع
 کتاب نیامده است.

۸) به نظر می‌رسد که بخش‌هایی از کتاب و مقدمه نیاز
 به ویراستاری دارد، در این صورت از روانی و شیوایی بیشتری
 برخوردار خواهد بود و ای‌کاش مؤلف محترم در مقدمه آنجا که
 از کتابخانه‌های بزرگ و مهم یاد و تشکر می‌کردند، عناوین
 کامل و صحیح آنها را به کار می‌بردند، آنجا که می‌گویند: «...
 مسئولان و کتابداران محترم کتابخانه‌های سازمان مدارک
 فرهنگی انقلاب اسلامی سابق، ملی لاحق، مرکزی دانشگاه
 تهران و مجلس شورای اسلامی (۱) و (۲)....»

شاید بهتر می‌بود تا مؤلف محترم با ادای نام صحیح هر
 یک، محبت خود را بر آنان تمام کرده و آنها را به نام رسمی
 «کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران» (و در صورت تأکید و
 اشاره به الحاق و ادغام با سازمان اسناد ملی ایران) آن را
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، «سپه» را کتابخانه
 سپهسالار، مرکزی را، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه
 تهران، و مجلس را کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای
 اسلامی، می‌نامیدند تا خوانندگان و علاقه‌مندان این حوزه، به
 ویژه آنانی را که به زحمات مؤلف چنین کتابشناسی‌هایی در
 آینده استناد خواهند نمود بهترین راهنما باشند و الگویی
 شایسته برای تدوین کتابشناسی‌هایی از این دست.

به امید آن روز

کتابی که آغاز و انجام نسخه‌ای را از روی آن گزارش کرده
 است نداشته است. یکی از معیارهای معقول و مهم انتخاب
 نسخهٔ آقدم یا قدیمه است که گویا در کتاب‌شناسی حاضر به
 دلایلی به آن توجه نشده است.

معلوم نیست آیا صرفاً در دسترس بودن یک نسخه
 موجب انتخاب آن شده است یا دلایل دیگری داشته است؟
 به عنوان نمونه، ذیل کتاب «صفات الشیعه» ص ۱۱۱،
 نسخهٔ خطی کتابخانه مجلس جهت آغاز انتخاب شده است در
 حالیکه قدیمی‌ترین نسخه متعلق به کتابخانه مرکزی است، یا
 ذیل کتاب «العرض علی‌المجالس» در ص ۱۱۹، نسخه خطی
 ۸۴۸ الهیات (مورخ ۹۸۱) به عنوان آغاز آورده شده است در
 حالی که هفت نسخه قدیمی‌تر از آن (آقدم نسخ، در مدرسهٔ
 مروی مورخ ۷۹۰) وجود داشته است و از جملهٔ نسخهٔ دیگری
 از همان دانشکدهٔ الهیات به شمارهٔ ۲۴۵ ج، (مورخ ۹۴۳)
 موجود است که اشاره‌ای بدان نشده است.

**۶) عدم استفاده از علائم و نشانه‌های استاندارد و مقبول
 در فهرست:**

در کتاب‌شناسی حاضر، از سایر علائم و نشانه‌هایی که در
 فهرست‌های نسخه‌های خطی استفاده شده است بهره لازم
 گرفته نشده است. به عنوان مثال مجموعه‌ها با عنوان «مج»
 مشخص شده‌اند در حالی که در تمامی فهرس موجود و معتبر
 از علامت «/» که مورد قبول و تأیید تمامی فهرست‌نویسان
 است استفاده شده است. مانند:

ذیل کتاب الاعتقادات ص ۳۲: مرکزی، تهران، (۱ مج
 ۱۰۸۵) که بهتر است به صورت (۱۰۸۵/۱) نوشته می‌شد تا از
 یکسان‌سازی و هماهنگی بیشتری در کتابشناسی استفاده
 می‌گردید.

۷) عدم یکدستی و هماهنگی در ارجاعات و نام‌ها:

عدم یکدستی در ارجاعات کتابشناسی:
 گاه در ارجاعات کتابشناسی برخی کتابخانه‌ها به جای
 رجوع به فهرست آن کتابخانه، به منبع دیگری اشاره شده
 است. بهتر می‌بود تا در ارجاعات مستقیماً به فهرست همان
 کتابخانه استناد می‌گردید تا خواننده مجبور به استفاده از منبع
 دست دوم دیگری نشود تا با واسطه به فهرست کتابخانه دست
 یابد مانند:

ذیل کتاب توحید، ص ۶۰، شماره ۱۱:

گلپایگانی، قم... [نور علم، ش ۵۴-۵۳، ص ۲۷۱]